

# دانش بومی و فرهنگ مردم شهرستان فیروزکوه و کارکردهای آشکار و پنهان

وحید رشیدوش<sup>۱</sup>

یعقوب شربتیان<sup>۲</sup>

سیما فرزانه<sup>۳</sup>

## چکیده

دانش بومی روش‌های بررسی، نگرش، درک و فهم جهان می‌باشد که در طی فرآیند مداوم آزمایش (آزمون و خطا)، تجربه و تغییر و انطباق به وسیله مردم در حال فعالیت می‌باشد و به تدریج رشد کرده و قادر می‌باشد که با فناوری و علم ترکیب شود. این دانش شامل عقاید، باورها، سازوکارها، ایستارها و شیوه‌های ساماندهی امور مختلف زندگی مردم می‌باشد که غالباً این دانش به صورت شفاهی سینه به سینه از نسل به نسل دیگر انتقال می‌یابد و به عنوان پایه فرهنگی به حیات و تکامل خود ادامه می‌دهد. هدف از این پژوهش، بررسی مردم شناختی دانش بومی و فرهنگ مردم شهرستان فیروزکوه و کارکردهای آشکار و پنهان می‌باشد. روش کار در این پژوهش به لحاظ ماهیت از نوع کیفی، مطالعات عمیق و ژرفانگر، حضور در میدان تحقیق، مشاهده مستقیم همراه با مشارکت و مصاحبه و همچنین مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای می‌باشد. هم‌چنین با به‌کارگیری نظریه مکتب کارکردگرایی مالینوفسکی و کارکردگرایی ساختاری اشتروس، دانش بومی و فرهنگ و کارکردهای آشکار و پنهان در میان مردم مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که مردم این منطقه با توجه به قدمت دیرینه و تنوع فرهنگی از سبک‌های گوناگون در حوزه دانش بومی استفاده کرده‌اند و رابطه مستقیم میان فرهنگ و دانش بومی در این منطقه وجود دارد. لذا حفظ تجربیات و جمع‌آوری و مکتوب دانش بومی در کنار پیشرفت‌های دانش مدرن، موجب احیای این علم می‌شود.

**واژگان کلیدی:** مردم‌شناسی، دانش بومی، فرهنگ، فیروزکوه، کارکردهای آشکار و پنهان.

---

۱. استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. rashidvash@yahoo.com

۲. استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد گرمسار، دانشگاه آزاد اسلامی، گرمسار، ایران. dy\_sharbatian@yahoo.com

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد رشته مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

Sima.farzaneh1974@gmail.com

## ۱. مقدمه

در سینه مردمان این دیار، اندوخته‌ها و تجربه‌های گران‌قدری نهفته است که سیمای درخشانی از خردورزی و تأمل، دانش غنی و قومی، پویایی و تحرک و تلاش را پیش روی مخاطبان می‌گذارد، این تجربیات به عنوان دانش بومی شناخته شده و شاخه‌ای از علوم مردم‌شناسی می‌باشد که جایگاه ویژه‌ای در مطالعات زیربنایی توسعه پایدار دارد (محمدی، ۱۳۸۵؛ ۳۵). امروزه دانش بومی در عرصه‌های مختلف زندگی بشر کاربرد دارد و به دلیل خصیصه‌های ویژه آن روزبه‌روز به ارزش آن افزوده می‌شود. در صورت بهره‌گیری صحیح از این دانش و درک پیوندهای نزدیک آن با تکنولوژی، حوزه‌های نوینی از اشتغال و کارآفرینی، فراروی بخش‌های مختلف قرار خواهد گرفت (فروتی، ۱۳۹۳؛ ۱۸). بر این اساس می‌توان دانش بومی را دانش به‌کارگیری متناسب منابع با شرایط اکولوژیک، فرهنگی و اجتماعی محیط دانست که بومیان در جهت رفع نیازهای خود از آن بهره می‌گیرند. دانش بومی جنبه‌های مختلفی دارد از این جنبه‌ها می‌توان به بهداشت و درمان، گیاه‌پزشکی، زبان‌شناسی، دامداری و کشاورزی، طیور، طب سنتی، صنعت و حرفه، جنگل و مرتع و غیره اشاره کرد (یوسفی، ۱۳۹۳؛ ۲۳). دانش بومی را می‌توان دانشی که یک جامعه محلی در طول محیط خاص اندوخته می‌کند تعریف کرد. این تعریف تمامی اشکال دانش فن‌آوری‌ها، مهارت‌های دانشی، راه و رسم‌ها، اعتقادات که جوامع را قادر می‌سازد تا به معیشت‌های پایدار در محیط‌زیست خود دست پیدا کنند را در برمی‌گیرد. دانش مربوط به واقعیت‌ها و نیز مهارت‌ها و قابلیت‌ها تا آنجا محلی محسوب می‌گردد که مردم آن را در ارتباط با اهداف، شرایط و مسائل محلی کسب کرده و به کار می‌گیرند. دانش بومی زندگی روزمره مردم محلی را برای یک چارچوب معرفت‌شناختی خودآگاه یا ناخودآگاه، روشن یا غیرروشن بیان می‌کند، اما نحوه‌ای که یک شخص بیرونی ممکن است آن زندگی‌های روزمره را مشاهده نماید، اعمال منفرد آن‌ها را جمع‌آوری و دسته‌بندی نماید و یک الگوی تغییری بر آن‌ها وضع کند که بی‌چون و چرای دانش محلی را تحت چارچوب معیارهای معرفت‌شناختی گسترده‌تر ناظر بیرونی می‌برد) را نیز بیان می‌نماید. دانش محلی آنچه مردم محلی می‌دانند و انجام می‌دهند است. دانش بومی هم‌زمان هم دیدگاه ذهن‌گرایانه (داخلی‌های) محلی و هم دیدگاه عین‌گرایانه (بیرونی‌ها) را بیان می‌کند. بیرونی‌ها دانش محلی را جوامع مرموز، دورافتاده، ناهمخوان و ناقص دانش می‌دانند که از جامعه معرفتی یا گسترده‌تر (ملی یا بین‌المللی) جدا افتاده است. داخلی‌ها دانش محلی را یک جریان روشن، اصیل و لاینفک دانش و عمل در بافت خاص و ملموس جامعه محلی می‌دانند و شیوه‌های مستقل زندگی مردمان خاص به حساب می‌آید. دانش محلی ممکن است بسیار اختصاصی باشد. اعمال پیچیده‌ای که انجام می‌شود شاید مبتنی بر دانش فرآیندی باشد که تنها تا اندازه‌ای آگاهانه است. این امر به خصوص در مورد اعمالی صدق می‌کند که متضمن دانشی است که در حرکات بدن، متأثر و تصمیم‌گیری متبلور می‌گردد. دانش بومی

به دلیل مستمر بودن، حفظ تعادل محیط زیست، انطباق با فرهنگ مردم بومی و محلی، مشارکتی بودن، متکی بودن به نیازها و در دسترس و ارزان بودن می تواند کمک فراوانی به اهالی در دستیابی به پیشرفت پایدار بومی و محلی داشته باشد. دانش بومی می تواند زمینه های مساعدی را برای توسعه مناطق فراهم کند و پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را برای جوامع و محیط های محلی و بومی فراهم سازد. همچنین بدون هزینه می باشد و به سادگی در دسترس است و از لحاظ اقتصادی مقرون به صرفه می باشد؛ و چون با محیط زیست سازگاری دارد حداقل خطر را برای کشاورزان، دامداران، ... و تولیدکنندگان در بردارد. این دانش از حوزه ی جغرافیایی سرچشمه گرفته است و قابل دسترسی، مفهومی، کارآمد و ارزان است. دانش بومی بخشی از سرمایه ملی هر قوم می باشد که باورها، ارزش و آگاهی های علمی و دانش های اجتماعی را در برمی گیرد و به نوعی میراث گذشتگان است که به دوره های مختلف اهمیت خود را نشان داده است. این دانش شفاهی را ادوار مختلف در بطن محیط طبیعی و اجتماعی محلی تکامل یافته و با شرایط بومی و منطقه ای کاملاً سازگار می باشد. هر منطقه به دلیل ویژگی های محلی و منطقه ای دارای فرهنگ، آداب و رسوم خاص خود می باشند که هویت جامعه خود را نشان دهنده ی مرز معین با سایر فرهنگ هاست و اشخاص بومی از طریق عوامل فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و محیطی خود را با دیگران و با فرهنگ های مختلف متمایز می کنند. تنها راه فراگیری دانش بومی مشاهده از نزدیک و پیروی از استاد و یا عمل کردن به آن است. همچنین این دانش چون محلی است یعنی در محیط و اقلیم یا بوم خاص خود به وجود آمده، به همین دلیل در همان محل تولید خود مؤثر و کارآمد است و در خارج از خاستگاه فرهنگی خود معنا، مفهوم و کارایی خود را از دست می دهد و از تکامل بازمی ایستد؛ به عبارت دیگر دانشی نیست که در همه جا کارگر و کار راه انداز باشد (شریعت زاده، ۱۳۹۲: ۱۸). ساکنین شهرستان فیروزکوه از توابع استان تهران با بهره گیری از تجارب و امکانات طبیعی موجود در محیط زندگی و با توجه به موقعیت جغرافیایی و کوهستانی که در آن واقع شده اند از ماهیت فرهنگی و سبک زندگی برخوردارند. چنین به نظر می رسد که جمعیت کشور ما به سوی سالمندی پیش می رود و لذا در طول سالیان با فوت افراد مسن و سالخورده شهر باتجربه ی دانشی که از محیط اطراف خود در زمینه های کشاورزی، دامداری، طب سنتی، سوخت، اقلیم، ... اطلاعات عظیمی از بومی آن محله از دست خواهد رفت. از این رو پژوهشگر علاقه مند است در حوزه ی دانش بومی در منطقه مورد مطالعه به بررسی بپردازد. همچنین رابطه ی بین محیط و فرهنگ و دانش بومی در منطقه مذکور (فیروزکوه) به بحث و بررسی بپردازد. همچنین عناصر پیشین دانش بومی که در گذشته وجود داشته و امروز بنا به دلایلی دیگر رواج ندارد، مورد اشاره قرار می گیرد.

## ۲. روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ ماهیت در گروه کیفی و مردم‌نگارانه قرار می‌گیرد. در این تحقیق نیز سعی کرده است که در میدان تحقیق حضور داشته باشد. دانش بومی در حوزه‌های کشاورزی، دامداری، باغداری، طب سنتی و ارتباط آن‌ها با فرهنگ مردم بومی، موضوع بررسی این سطح از مطالعه بود. هم‌چنین در این تحقیق در جمع‌آوری داده‌ها علاوه بر مشاهده مشارکتی از مصاحبه عمیق هم استفاده شده است. سوژه‌های مصاحبه نیز بدین صورت بود که مستقیم به افراد مطلع که در این حوزه‌ها فعالیت داشتند رفته و مصاحبه انجام شده است. در کنار دو روش مشاهده و مصاحبه عمیق، مطالعه اسنادی و کتابخانه‌ای نیز صورت گرفته است.

## ۳. جامعه آماری

جامعه مورد مطالعه در این پژوهش شامل تعدادی از ساکنین منطقه فیروزکوه می‌باشند که شامل کشاورزان، دامداران، باغداران، زنبورداران و پرورش‌دهندگان آبزیان بوده‌اند. بدین منظور جامعه‌ی مورد مطالعه‌ی این تحقیق ۱۸ نفر می‌باشد. این تحقیق به لحاظ ماهیت در گروه روش‌های کیفی قرار دارد، لذا از روش اشباع نظری استفاده خواهد شد. در این روش که خاص تحقیقات کیفی است، تعداد افراد مورد مصاحبه، به عبارت دیگر، حجم نمونه به اشباع نظری سؤالات مورد بررسی، بستگی دارد. به این ترتیب که هرگاه محقق به این نتیجه برسد که پاسخ‌های داده شده و یا مصاحبه‌های انجام شده با افراد مطلع، به اندازه‌ای به همدیگر شباهت دارند که منجر به تکراری شدن پاسخ‌ها و یا مصاحبه‌ها شده و داده‌های جدیدی در آن‌ها وجود ندارد تعداد مصاحبه‌ها را کافی دانسته و دست از مصاحبه می‌کشد، لذا محقق در این پژوهش نیز با این حجم نمونه، از لحاظ اطلاعات به اشباع رسیده است.

## ۴. چارچوب نظری

نظریه، چهارچوبی را برای محقق فراهم می‌کند تا بتواند با راهنمایی آن پرسش‌های را مطرح سازد و به او کمک می‌کند فرضیه‌های خاصی را صورت‌بندی نماید (روح‌الامینی، ۱۳۷۲: ۸۳). در این پژوهش از رویکرد کارکردگرایی مالینوفسکی و کارکردگرایی ساختاری لویی اشتروس بررسی شده است: در کارکردگرایی هر جزء وظیفه‌ای دارد و با ایفای نقش خود به بقای کل یاری می‌رساند؛ و عده‌ای معتقدند که کارکرد می‌تواند در مورد مواضع اجتماعی و کیفیات آن نقشی مثبت و منفی بازی کند؛ و تغییر هر بخش سبب دگرگونی سایر قسمت‌های اجتماعی می‌شود (گاربارینو، ۱۳۷۷: ۹۲). از نظر مالینوفسکی، کارکردگرایی برآورده شدن یک نیاز به وسیله یک عمل که هدف آن شناخت رهیافت متقابل بین اجزا تشکیل‌دهنده یک مجموعه برای تشخیص سازمان اجتماعی و نیز هر عملی در یک تمدن و فرهنگ

کارکردی نسبت به کل مجموعه دارد و کار آن عبارت است از برآوردن نیازهای اساسی انسان بدین معنی که غرایز انسانی چنین حکم می‌کند که رهیافت و معتقدات و سازمان‌هایی در جامعه به وجود می‌آیند و با توجه به این حقیقت است که می‌توان به کارکرد وجودی یک تمدن و فرهنگ پی برد (فربد، ۱۳۹۱؛ ۲۳). کارکردگرایی ساختاری از رهیافتی بهره می‌برد که جامعه را شامل نظامی از اجزاء مختلف به هم پیوسته می‌داند که ساختارهای گوناگون را شکل می‌دهند و هر کدام کارکردی خاص در کل نظام دارند. بیشتر انسان شناسان گفته‌ها و اعمال انسان‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهند، اما لوی اشتراوس بیشتر علاقه‌مند به بررسی محصولات انسانی است. او به دنبال کشف ساختار عینی این محصولات است، نه معنای ذهنی یا خاستگاه‌های این معانی در فراگردهی ذهنی. لوی اشتراوس در بررسی فرآورده‌های گوناگون انسانی، مانند اسطوره‌ها و نظام‌های خویشاوندی، به روابط متقابل این فرآورده‌ها علاقه‌مند است. نمودار چنین روابط متقابلی، همان ساختار است. از آنجا که ساختار را مشاهده‌گر ایجاد می‌کند، مشاهده‌گران متفاوت می‌توانند ساختارهای متفاوتی را بسازند (ریتزر، ۱۳۸۹: ۵۴۹).

#### ۵. ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه (شهرستان فیروزکوه)

شهرستان فیروزکوه در منتهی‌الیه شمال شرقی استان تهران قرار دارد. فیروزکوه در موقعیت جغرافیایی ۳۵ درجه و ۴۵ دقیقه عرض جغرافیایی و در ۵۲ درجه و ۴۶ دقیقه طول جغرافیایی و در ارتفاع متوسط ۲۰۰۰ متر از سطح دریا و در منتهی‌الیه (۱۳۵ کیلومتری) شرق استان تهران و در طرفین جاده تهران-مازندران واقع شده است. این شهرستان از شمال و شرق به شهرستان سوادکوه در استان مازندران، از جنوب و جنوب شرقی به شهرستان مهدی‌شهر در استان سمنان و از غرب به شهرستان دماوند محدود می‌گردد.

ساکنین اصلی شهر فیروزکوه و روستاهای تابعه آن از شاخه‌های شانزده‌گانه قوم آریایی می‌باشند. مردم فیروزکوه دارای اصالتی طبری و مازندرانی می‌باشند. علاوه بر آن اقوامی از کردان ایل پازوکی از حوالی ارومیه حدود چهارصد سال قبل در زمان صفویه تبعید شده‌اند. برخی از افراد ایل اصانلوی گرمسار و تیره‌های غندالی الیکایی و شاه حسینی الیکایی و کردها در این شهرستان سکنی گزیده‌اند. فیروزکوه از دیرباز بیلاق عشایر الیکایی بوده است. (سایت فرمانداری شهرستان فیروزکوه)

بر اساس شواهد و قرائن و مدارک تاریخی، قدمت فیروزکوه به قبل از اسلام بر می‌گردد. مذهب عموم مردم شهرستان شیعه اثنی‌عشری است. زبان مردم فیروزکوه فارسی بوده و بیشتر با لهجه‌ی مازندرانی تکلم می‌کنند. علاوه بر آن‌ها مهاجرانی از اقوام ترک، لر و ترکمن که در دوران حکومت قاجار به این نواحی کوچانده شده‌اند، در نواحی مختلف فیروزکوه زندگی می‌کنند که با لهجه‌های خود صحبت

می‌کنند. از عمده‌ترین فعالیت‌های اقتصادی در این شهرستان زراعت می‌باشد. از مجموع ۱۶۹۳ هکتار اراضی زیرکشت محصولات عمده در این شهر مقدار ۷۸۸ هکتار به صورت آبی و مقدار ۹۰۵ هکتار به صورت دیم می‌باشد. گندم زیر کشت در سطح این شهر ۱۰۶۵ هکتار که ۳۹۰ هکتار به صورت آبی و بقیه به صورت دیمی می‌باشد. جو، سیب زمینی، نباتات علوفه‌ای نیز از دیگر محصولات زیر کشت در این منطقه می‌باشد (سعیدیان، ۱۳۷۵: ۵۹۳). به دلیل موقعیت جغرافیای مناسب و آب و هوای مساعد و همچنین وجود رودخانه‌ها و منابع آب شیرین در این منطقه باغداری رواج زیادی دارد. میوه‌هایی مانند سیب، زردآلو، گیلاس، گلابی، آلبالو، انگور و گردو را می‌توان اشاره کرد. محصولات کشاورزی همچون سیب‌زمینی، گندم، جو بنشن و تره‌بار نیز در این شهرکشت می‌شود. وجود چراگاه‌ها و مراتع بسیار غنی در منطقه از رونق خاصی برخوردار است. البته کشاورزی در اولویت می‌باشد. دامداری در این منطقه به شکل سنتی وجود دارد. هم‌چنین در این شهرافراد در منزل به پرورش مرغ هم مشغول هستند که عموماً به مصرف داخلی می‌رسد. در زمینه پرورش آبیان ۱۰ استخر پرورش ماهی با تولید ۱۸۶ تن در سال ۲۵٪ تولید ماهیان سردابی استان را به خود اختصاص می‌دهد. صنایع دستی در این منطقه شامل بافتنی، قلاب‌بافی، گلدوزی و گلیم‌بافی می‌باشد (سعیدیان، ۱۳۸۳: ۶۷).



نمایی از شهر فیروزکوه، تابستان ۱۴۰۰، عکس از پژوهشگر

## ۶. یافته‌های پژوهش

توجه به دانش بومی به عنوان دانشی که حاصل تجربیات چند هزارساله است و در روند زمان با عمل توأم گردیده است، می‌تواند در توسعه مناطق روستایی و عشایری و شهری مهم باشد. مصلحین مناطق به عنوان کسانی که در امر توسعه دخالت دارند اگر بتوانند در فرآیند برنامه‌ریزی جهت توسعه آن به این دانش که ریشه در محل دارد و با ساختارهای مربوطه سرشته شده و توجه نمایند، می‌توانند گام‌های موثرتری در توسعه روستایی و عشایری و شهری بر دارند.

در شهرستان فیروزکوه از محصولات درختی بیشتر میوه‌های سیب، آلبالو، گردو، گلابی، گیلاس و آلو تولید می‌شود. کاشت و پرورش این درختان از گذشته در این منطقه باب بوده و امروزه یافته‌اند که با توجه آب و هوای منطقه بهترین درخت سازگار با آب و هوا سیب درختی می‌باشد؛ که این خود نوعی دانش بومی می‌باشد. استفاده از دانش بومی در میان کشاورزان غالباً منحصر به مرحله‌ی کاشت بوده و کاشت به صورت دستی و سنتی انجام می‌گیرد در صورتی که در مرحله‌ی سم‌پاشی و تشخیص آفات از کودهای آفات گیاهی به وسیله ادوات تکنولوژی استفاده می‌کنند. کشاورزان هیچ‌گاه کود حیوانی تازه را پای محصول کاشته نمی‌ریزند چون سبب آزاد شدن آمونیاک و تجمع آن در مجاورت ریشه‌ها گشته و موجب مسمومیت گیاه می‌گردد. شاخص‌های بومی جهت تعیین زمان‌های مناسب برای آماده سازی، کاشت، برداشت باغ‌ها، اعمال مربوط به آماده‌سازی زمین، ذخیره‌سازی و تهیه بذر، شیوه‌های بومی جهت تکثیر ازدیاد گیاهان، اعمال مربوط به بذرها، محافظت و آماده‌سازی بذر، نظام‌های کشت و برداشت محصولات، فراهم کردن غذا و بازاریابی و نظام‌های مدیریت آفات و شیوه‌های محافظت از گیاهان مواردی از دانش بومی رایج در میان کشاورزان می‌باشد.



سیب درختی در فیروزکوه، تابستان ۱۴۰۰، عکس از پژوهشگر

در جامعه سنتی، یک کشاورز، دامدار، زنبوردار، باغدار و در همه‌ی زمینه‌ها فعالیت می‌کند. کشاورزان در این منطقه تلفیقی از دانش روز و دانش بومی را استفاده می‌کنند، در حقیقت مکمل هم هستند. در کشت سیب‌زمینی، زمان کاشت و زمان آبیاری بسیار مهم می‌باشد؛ و آبیاری به صورت غرقابی می‌باشد. در تقویت خاک از کود حیوانی استفاده می‌کنند. در مبارزه با علف‌های هرز اصلاً از سم استفاده نمی‌شود. چون به‌موقع کشت و به‌موقع آبیاری نمی‌شود و با دست و جین می‌کنند. در گذشته برای مبارزه با آفات از خاکستر استفاده می‌کردند که این خود نوعی دانش بومی محسوب می‌گردد. زمان کاشت سیب‌زمینی بسیار مهم است؛ که نم زمین در چه حدی باشد. کشاورزان بیل را در وسط زمین می‌برند و پا بیل می‌کردند، اگر خاک به دستشان نمی‌چسبید، موقع کاشت بود. اگر زمین را خشک بکارند، مجبورند بعد از کاشت آبیاری کنند که باعث تقویت علف هرز می‌شود؛ و مجبورند که با علف هرز مقابله کنند. این مواردی از دانش بومی می‌باشد که می‌توان از آن یاد کرد؛ و یا نمونه‌ی دیگر از دانش بومی، کاشت یونجه که باید زود بکارند تا با نم باران سبز شود. این یونجه از لحاظ ریشه‌زنی در برابر سرما و در برابر علف هرز بسیار مقاوم می‌باشد. کشاورزان این منطقه در گذشته از تجربیات و دانش بومی اما امروزه تلفیقی از دانش بومی و دانش رسمی را در روند کاری خود دارند. زراعت در گذشته به صورت یدی و دستی انجام می‌شد محصول کم بود و حمل بار بوسیله چهارپا بود؛ و از هر هکتار زمین ۱۰ تن سیب



زمینی برداشت می‌شد؛ اما امروزه از هر هکتار زمین ۳۰ تن محصول برداشت می‌شود چون هم تجربه و هم علم کشاورزان بیشتر شده است



برداشت محصول سیب زمینی در فیروزکوه، عکس از پژوهشگر

## ۷. دانش بومی، توسعه پایدار و دامداری در فیروزکوه

در دامداری تحلیل ساختاری و کارکردی هر گله، تفکیک سنی و جنسی، نوع دام‌های گله، خرج دام، خوراک زمستانی، بهداشت و درمان و مایه‌کوبی، پشم‌چینی امری ضروری است. مهم‌ترین وظیفه در دامداری سنتی بر عهده چوپان است. چراکه چوپانی کاری تخصصی است. چوپان گیاه و خواص آن را می‌شناسد. گیاهانی که دام در بهار می‌خورد یا در تابستان و... را باید بشناسد و نیز کدام گیاه گوشت را افزایش می‌دهد؛ که این آگاهی مشتق از خروارها دانش بومی است که چوپان از گذشته آن را به کار می‌گیرد. او می‌داند گوسفندان را در کدام دامنه بخواباند که آفتاب‌زده یا سرمازده نشوند. دانش بومی به او می‌گوید که خواص آب چشمه‌ها را بداند و با ابزارهای ساده چون نی و «قلاّب سنگ پران» دام‌ها را جمع کند. به‌طور کلی توجه به همه جانبه‌نگری در دامپروری باعث استقلال اقتصادی می‌باشد. تأمین شیر، تهیه لبنیات، گوشت، پشم و کرک و مو، پوست و روده و... بر اساس مطالعات میدانی و مصاحبه‌های به‌عمل آمده می‌توان اذعان داشت که فرآورده‌های دامی از همه نوع در شهرستان موجود

است و خریداران محلی و خارج از شهرستان وجود دارد. عمده دام‌های پرورده در شهرستان عبارت‌اند از گاو، گوسفند که به صورت گله‌های کوچک در داخل محل و با خوراک علوفه‌ای و چرا انجام می‌شود و به دلیل تمام شدن علوفه، چوپان در دوره‌های معین از یک دره، به دره دیگر می‌رود و بدین‌سان حرکت و کوچ گوسفندان شکل می‌گیرد. بومیان از تجربیات سودمندی در حفاظت دام برخوردارند به عنوان مثال: آن‌ها برای شکستن سکوت کوهستان، جلوگیری از کسالت و به خواب رفتن چوپان‌ها، ردیابی مسیر چرای یک دام خاص بر اساس نوع صدای زنگ، پیشگیری از خطر حمله حیوانات و پرندگان شکارچی و سارقان از زنگوله‌های فلزی به گردن دام استفاده می‌کنند؛ که این خود نیز نوعی از به‌کارگیری دانش بومی به شمار می‌آید. ساختار هر جامعه بر اساس نوع فعالیت اقتصادی، شرایط جغرافیایی و اجتماعی آن منطقه شکل می‌گیرد؛ و بررسی ویژگی‌های اصلی جوامع و فرهنگ‌های مرتبط با کارهای ترویجی مفید می‌باشد؛ و ساختار اجتماعی جامعه، به‌گونه‌ای است که در خانواده‌ها و جوامع سازمان‌دهی شده است. لذا نظریه ساختارگرایی را می‌توان گواه بر این دانست که زمانی که ساختار بیرونی شکل شغل دامداری و مراحل مختلف آن از دامداری سنتی به دامداری صنعتی تغییر می‌یابد، به تناسب آن ساختارهای دیگر این جوامع را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد؛ که از جمله می‌توان به شیوه‌های همکاری، نوع پوشش دامدار، نوع معماری دامداری، روابط خویشاوندی و حتی آداب و رسوم منطقه اشاره کرد؛ و از جمله کارکردهای آشکار در زمینه‌های تولیدی می‌توان اشتغال و درآمدزایی، افزایش بازده محصولات تولیدی، تغذیه سالم و محلی دانست؛ و در خصوص کارکردهای پنهان آن، ایجاد پیوند اجتماعی در بین افراد بومی دامدار، برقراری اتحاد دوستی، تبادل دانش و آگاهی، برطرف شدن نیازهای عاطفی، آگاه شدن از احوال همدیگر می‌باشد.

## ۸. دانش بومی، توسعه پایدار و طب سنتی در فیروزکوه

روستاییان بیشترین تعداد گونه‌های گیاهی را که هنوز بعضاً در طبیعت موجودند و دانش بشر برای استفاده از آن‌ها در حال افزایش است پرورش داده‌اند. پس علی‌رغم نظرات غلط رایج، دانش بومی در گردآوری اطلاعات مربوط به گونه‌ها و به‌کارگیری آن‌ها شکل انفعالی ندارند، بلکه نقش سازمان‌یافته و پویا دارد. این پویایی دانش بومی، کمک زیادی به کشاورزی، صنایع دارویی و تحقیقات ژنتیک کرده است؛ و جمع‌آوری گونه‌های زیستی متنوع توسط مردم محلی، به اقتصاد جهانی به ویژه اقتصاد کشورهای صنعتی، کمک شایانی می‌کند. برخی مراکز تحقیقاتی در سطوح محلی، منطق‌هایی و جهانی، مستقیم یا غیرمستقیم، کار تکثیر گونه‌های زیستی را از طریق جمع‌آوری منابع ژنتیکی گیاهی، از تجمعات گیاهان بومی کشورهای در حال توسعه دنبال می‌کنند. مردم بومی منابع ژنتیکی را به خوبی پرورش و توسعه می‌دهند، که حفظ تنوع ژنتیک گونه‌های گیاهی برای صنایع داروسازی حائز اهمیت است. دانشمندان بر این باورند که نیاز هم‌زمان به طب سنتی و طب جدید برای درمان برخی بیماری‌ها

از هر زمان دیگری بیشتر احساس می‌شود؛ زیرا این تلفیق موجب می‌شود تا طب سنتی با تازه‌ترین پیشرفت‌های علمی در هم آمیخته شود و از آن برای کشف روش‌های جدید درمانی استفاده کند. معمولاً در فصل بهار افراد بومی از طریق جمع‌آوری گیاهان دارویی و خوراکی که شناخت آن گیاهان نوعی دانش بومی محسوب می‌شود مایحتاج خود را جمع‌آوری می‌کنند. حدود صدگونه گیاهان خوراکی- دارویی- صنعتی در منطقه به صورت خودرو می‌روید.

نام گونه‌ای نادر از قارچ چتری است که در ارتفاعات شهرستان در کنار نوعی گیاه به نام «کما» با فتح کاف می‌روید. رنگ آن سفید و به صورت کلاهی بوده و به اندازه‌های مختلف می‌روید. از طریق شکل ظاهری و بو می‌توان قارچ‌های سمی و غیرسمی را از هم تشخیص داد. عمر این نوع قارچ کم می‌باشد لذا چند روز بعد از رویش در مجاورت آفتاب و نور فاسد می‌شود هم‌چنین این نوع قارچ زیر بوته‌های گیاه کما پرورش می‌یابد مرحوم جلال آل احمد در اورازان از این گیاه در طالقان به نام «کما» با ضم کاف نام می‌برد. در مناطق مختلف در البرز مرکزی این نوع قارچ را: کما گوش، لنگوش، انگوش، گوشک و... نیز می‌نامند.

اهالی مناطق بر این باورند که تولید محصول کماگوش به نسبت بارندگی‌های بهاری متغیر است و رعدوبرق و ابرهای آسمانی این نوع قارچ که بیشتر در ارتفاعات بلند رشته‌کوه‌های البرز رویده می‌شود همه‌ساله در نیمه اول فصل اردیبهشت قابل برداشت می‌باشد، این نوع قارچ دارای پروتئین زیادی می‌باشد و منبع غنی از ویتامین‌ها و املاح معدنی می‌باشد، از کماگوش برای تهیه انواع غذا و خورشت قارچ و به ویژه کباب قارچ استفاده می‌شود. اندام باردهی این نوع قارچ کوهی دارای حفره یا شیارهای کوچک و متعدد به رنگ قهوه‌ای تیره یا روشن شبیه یک گردو یا سیب‌زمینی معمولی در زیر خاک به عمق پنج الی ۳۰ سانتی‌متر رشد می‌کند. معمولاً از نخستین روزهای فروردین‌ماه، رشد این گیاه خودرو که بدون ریشه و ساقه است شروع می‌شود و تا اواخر اردیبهشت‌ماه برداشت آن ادامه می‌یابد. بر میزان باردهی محصول می‌افزاید. کوهستانی بودن محصول، خاصیت غذایی بالا باعث شده که قیمت آن برای مصرف‌کنندگان گران تمام شود. افراد آشنا و مطلعی روستاهای اطراف شهرستان فیروزکوه وجود دارند که روزانه می‌توانند بین ۱۰ الی ۱۵ کیلو کماگوش جمع‌آوری کنند.

### گیاهان مراتع مورد استفاده در دانش بومی بهره‌داران منطقه مورد مطالعه

ردیف	نام گیاه	کاربرد	ردیف	نام گیاه	کاربرد	ردیف	نام گیاه	کاربرد
۱	آویشن کوهی	دارویی خوراکی	۸	بابونه	دارویی/ خوراکی	۱۵	پوست گردو	صنعتی
۲	کاسنی	ارویی	۹	سنبل‌الطیب	دارویی	۱۶	شوید کوهی	دارویی/ خوراکی
۳	شیرین بیان	صنعتی دارویی	۱۰	نعنا	دارویی/ خوراکی	۱۷	قارچ کوهی	خوراکی
۴	گل گاوزبان	دارویی	۱۱	پیاز کوهی	دارویی/ خوراکی	۱۸	خاکشیر	دارویی
۵	سیرکوهی	دارویی/ خوراکی	۱۲	قدومه	دارویی	۱۹	ختمی	دارویی
۶	پونه	دارویی/ خوراکی	۱۳	گون	صنعتی	۲۰	بارهنگ	دارویی
۷	سنجد	خوراکی	۱۴	زنیان	دارویی	۲۱	شنگ	دارویی/ خوراکی

مأخذ: تحقیق میدانی پژوهشگر استخراج از مصاحبه با بومیان

### دانش بومی، توسعه پایدار و زنبور عسل در فیروزکوه

برخی از انسان‌ها، زنبور عسل را صرفاً مولد عسل و موم تصور می‌کنند اگرچه تولید عسل و موم از کارهای مهم و اصلی زنبور عسل است؛ ولی نباید نقش مهم زنبور عسل را در حفظ تنوع زیستی و گرده‌افشانی گیاهان نادیده گرفت که موجب افزایش تولید و بهره‌وری گیاهان می‌شوند. مردم باستان، عسل را به عنوان نماد باروری<sup>۱</sup>، عشق<sup>۲</sup>، قدرت<sup>۳</sup> و مردانگی، منبع سلامتی و نشانه صداقت و پاکی می‌دانستند؛ و همچنین زنبورهای عسل را مخلوقات جادویی و اسرارآمیزی می‌دانستند که عسل را به عنوان شهد و خوراک خدایان تولید می‌کنند لذا عسل را به خدایان خود تقدیم می‌داشتند تا کام آن‌ها را

1 -Fertility

2 - Love

3 - Virility

شیرین سازند. برخی از زنبورداران سنتی به منظور رفع نیازهای خانواده به تولید معیشتی می‌پردازند و زنبورداری آن‌ها، یک فعالیت جنبی و تفننی به شمار می‌آید. زنبورداری سنتی به سرمایه اندک نیاز دارد. کندوهای سنتی را می‌توان با بهره‌گیری از مواد محلی، بسیار آسان و ارزان تهیه و تدارک دید. در زنبورداری سنتی، زنبورها با توجه به استفاده از شهد و شیرۀ سالم، تازه و متنوع و تأمین میزان بیشتر از ویتامین و مواد معدنی مورد نیاز، فرآورده‌های غنی‌تر و سالم‌تری تولید می‌کنند. گونه‌ها و نژادهای بومی زنبورعسل با شرایط سخت و نوسانات آب و هوایی، بیولوژیکی و کشاورزی زیستگاه‌های خود سازگار شده‌اند. نژادهای بومی مناطق سردسیری می‌توانند در هوای سرد زمستان، نوسانات شدید درجه حرارت و دوره‌های طولانی بارندگی زنده مانده و در روزهای آرام و یا رگبارهای بهاره پرواز کنند. معمولاً نژادهای بومی زنبورعسل، الگوهای چرا و تغذیه‌ی خود را با گل‌دهی متغیر و آهنگ تولید شهد سازگار کرده‌اند. عوامل مؤثر بر کیفیت عسل شامل: خصوصیات زنبورهای عسل، خصوصیات منطقه و زمان تولید عسل، خصوصیات گونه‌های گیاهی، نحوه فرآوری، تغذیه زنبورهای عسل، مدیریت آفات و بیماری‌ها، برداشت و عمل آوری عسل، ذخیره عسل و وسایل زنبورداری می‌باشد. باتوجه به چارچوب نظری به کاربرده شده در این مقاله، یافته‌های پژوهش دربخش زنبورداری، درس بزرگی است که انسان به عنوان یک موجود اجتماعی، همانند زنبورعسل درقبال خدمتی که می‌گیرد؛ باید خدمتی دیگر رابه جامعه ارائه کند. از جمله کارکرد آشکار زنبورداری اشتغال زایی، تعامل و هم‌اندیشی و همکاری هرچه بیشتر زنبورداران منطقه می‌باشد. کارکرد پنهان آن را ترویج زنبورعسل درگرده افشانی باغات، مزارع و مراتع که منجر به افزایش بازده محصولات کشاورزی زراعی و باغی از طریق گرده افشانی می‌گردد.

## نتیجه‌گیری

در تحقیق حاضر که هدف اصلی آن «بررسی دانش بومی و فرهنگ و کارکردهای آشکار و پنهان آن در شهرستان فیروزکوه» می‌باشد، پژوهشگر در جامعه‌ی مورد مطالعه، از روش کیفی و مصاحبه و نیز استفاده از اسناد کتابخانه‌ای، به بررسی پرداخته است. درواقع یافته‌های حاصل از مصاحبه و مشارکت پژوهشگر در میدان تحقیق، شامل دیدگاه‌ها و نظرات و دانش بومی تعدادی از کشاورزان، دامداران، باغداران، زنبورداران، پرورش‌دهندگان، آبزیان، کنش‌گران بومی می‌باشد که درباره‌ی دانش بومی و توسعه پایدار بیان کرده‌اند. اهمیت دانش بومی و رابطه‌ی آن با فرهنگ در جامعه‌ی مورد مطالعه را نمی‌توان نادیده گرفت. مطالعات نشان می‌دهند که عوامل فرهنگی، اجتماعی و روانی در نظام ارزشی هر جامعه ریشه دارند و از طبیعت و نوع روابط اعضای آن جامعه تأثیر می‌پذیرند. به همین دلیل در بسیاری از مواقع در مقابل تغییرات فرهنگی مقاومت می‌کنند. افراد بومی منطقه فیروزکوه نیز از این قاعده مستثنی نبوده‌اند، مخصوصاً به علت شرایط اقلیمی، افراد بسیار سرسخت و مقاوم می‌باشند، مخصوصاً وقتی افراد بومی که سن آن‌ها از ۶۰ به بالا می‌رود در برابر هر تغییری مقاومت نشان می‌دهند و فقط از

دانش بومی بهره می‌گیرند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که کارکردهای آشکار در حوزه‌های مورد مطالعه (کشاورزی، دامداری، طب سنتی، زنبورداری، باغداری، پرورش آبزیان) درآمدزایی، ارزش اقتصادی، افزایش بازده محصولات کشاورزی زراعی و باغی، تعامل و هم‌اندیشی را می‌توان نام برد؛ و از کارکردهای پنهان در حوزه‌های نام برده تبادل دانش و آگاهی، آگاه بودن از احوال همدیگر، برطرف شدن نیازهای عاطفی و برقراری اتحاد و دوستی... می‌باشد؛ و در بخش طب سنتی نشان‌دهنده‌ی غنای دانش بومی و اهمیت گونه‌های گیاهی و به اشتراک گذاشتن دانش معالجه با گیاهان در بین مردم بومی می‌باشد.

اطلاعات نشان می‌دهد که دانش بومی به صورت شفاهی انتقال می‌یابد، پس در برابر تغییرات سریع آسیب‌پذیر است، به ویژه زمانی که مردم محل زندگی‌شان را تغییر می‌دهند یا جوانان ارزش‌ها و سبک‌های زندگی متفاوتی از نیاکان خود به دست می‌آورند، این تغییرات می‌تواند سریع‌تر اتفاق بیفتد. مطالعات نشان می‌دهند که امروزه با چهار تحول جهانی مواجه هستیم:

۱. بحران‌های زیست‌محیطی و نیاز به توسعه پایدار؛
۲. نیاز جوامع صنعتی به استفاده از دستاوردهای درخشان پژوهش‌های دانش بومی؛
۳. ظهور عصر اطلاعات و آلودگی اطلاعات؛
۴. چیرگی تلویزیون بر جوامع روستایی.

بنابراین حداکثر بهره‌برداری از منابع طبیعی، حداکثر تولید، حداکثر مصرف، حداکثر فروش و سود، سوراخ شدن لایه‌ی ازون، کمبود و آلودگی منابع آبی، فرسایش جنگل‌ها و مراتع و خاک‌های زراعی، شیوع امراض جدید گیاهی، دامی، انسانی، گسترش بیابان‌ها، وقوع خشکسالی و قحطی، زمین‌لرزه، سیل، طوفان که در مقیاسی بی‌سابقه است که به همان اندازه توسعه ضروری است، پایداری نیز اهمیت دارد. برخی بر این باورند که کمبود اطلاعات درباره دانش بومی در مردم‌شناسی و موضوعات، مرتبط با مسائل مختلف می‌باشد. نبود شناخت همه‌جانبه درباره‌ی فرهنگ غنی و پرتجربه جوامع محلی، سبب شده که متخصصان در برخورد با بومیان خود را برتر به شمار آورند و بسیاری از تجربه‌ها را نادیده بگیرند. لذا با گذر از هر نسل، دانش بومی و انتقال طبیعی این دانش بیشتر فراموشی سپرده شده چراکه در ارتباط با دانش نوین و فن‌آوری نو، نسل‌های جدید تجربه‌های گذشته را درک نمی‌کنند. این دانش به سنت متکی است و چون در طی زمان آینده آداب و رسوم و سنن جوامع در حال تغییر است، پس دانش متکی بر سنت نیز در حال دگرگونی است؛ و شاید در حال منسوخ شدن و از یاد رفتن باشد. منسوخ شدن چیزی که نیاکان و گذشتگان بر اساس تجارب خود و تحمل سختی‌های فراوانی آن را به‌دست آورده‌اند. تحقیق این گنجینه‌ها به نسل جدید فرصت می‌دهد تا روش‌های بومی را بهتر بشناسند و با

نوآوری در آن بتوان بر کاربردتر کردن آن افزود؛ و باید هر چه بیشتر دانش بومی را در جوامع مطرح کرد، چرا که وقتی افراد با زمینه‌های استفاده و به‌کارگیری این دانش به صورت عملی و عینی آشنا می‌شوند، راحت‌تر آن را پذیرفته و مورد استفاده قرار می‌دهند.



## منابع

- ریترز، جورج (۱۳۸۹)، نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی، چاپ شانزدهم.
- روح الامینی، محمود. (۱۳۷۲)، زمینه فرهنگ شناسی، تهران: انتشارات عطار، چاپ هشتم.
- سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۷۵)، مردمان ایران، تهران: انتشارات علم و زندگی، چاپ اول.
- سعیدیان، عبدالحسین. (۱۳۸۳)، سرزمین و مردم ایران، تهران: انتشارات علم و زندگی، چاپ دوم
- فرید، محمد صادق، (۱۳۹۱)، مبانی انسان شناسی، تهران: ناشر پشتون، چاپ ششم.
- فروتنی، بهزاد (۱۳۹۳)، بررسی مقایسه‌ای دیدگاه کارشناسان و بهره‌برداران نسبت به مشارکت جوامع محلی در مدیریت پایدار مراتع (مطالعه موردی مراتع دشت بهار شهرستان همدان).
- گاربارینو، مروین (۱۳۷۷)، نظریه‌های مردم‌شناسی، ترجمه عباس محمدی اصل، تهران: آوای نور، چاپ اول.
- محمدی، هما (۱۳۸۵)، فن‌آوری تهیه‌ی زغال در ایران، پژوهشی در حوزه دانش بومی. فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴.
- یوسفی، جلال (۱۳۹۰)، دانش بومی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، تهران: انتشارات راه سبحان با همکاری سازمان جنگل‌ها و مراتع و آبخیزداری کشور.
- سایت فرمانداری شهرستان فیروزکوه.



## **Native knowledge and culture of the people of Firouzkoh city and its obvious and hidden functions**

Vahid Rashidvash<sup>1</sup>

Yaghoub Sharbatian<sup>2</sup>

Sima Farzaneh<sup>3</sup>

### **Abstract**

Native knowledge is the methods of investigation, attitude, understanding and understanding of the world, which is active during the continuous process of trial (trial and error), experience, change and adaptation by people, and it gradually grows and It is able to combine with technology and science. This knowledge includes ideas, beliefs, mechanisms, postures and ways of organizing various affairs of people's lives, which is often transmitted orally from generation to generation and as a cultural foundation for Life and evolution continues. The purpose of this research is to investigate the anthropological knowledge and culture of the people of Firouzkoh city and its overt and hidden functions. The working method in this research is qualitative in nature, in-depth studies, presence in the research field, direct observation with participation and interview, as well as documentary and library study. Also, by applying the theory of Malinowski's school of functionalism and Strauss's structural functionalism, local knowledge and culture and overt and hidden functions among the people have been examined and analyzed. The results of this research indicate that the people of this region have used different styles in the field of indigenous knowledge due to the long history and cultural diversity, and there is a direct relationship between culture and indigenous knowledge in this region. Therefore, preserving experiences and collecting and writing indigenous knowledge along with the advances of modern science will bring about the revival of this science.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

---

1. Department of Anthropology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
rashidvash@yahoo.com

2. Department of Anthropology, Garmsar Branch, Islamic Azad University, Garmsar, Iran  
dy\_sharbatian@yahoo.com

3. Master of Anthropology, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran  
Sima.farzaneh1974@gmail.com